

نشریات تخصصی دولتی در کنار معدود نشریات تخصصی خصوصی

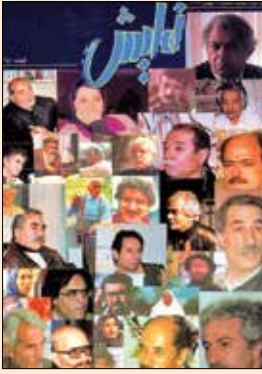
ضرورت تداوم انتشار نشریات تخصصی امری است که حتی در مقابل گزاره‌هایی چون پایین بودن تیراژ و محدود بودن گستره مخاطبانش قابل دفاع است. نشریاتی که هدفشان پاسخگویی به نیازهای نظری، خبری و گفتمانی تئاتر و شکل دادن به محفلی برای پیوند گروهی از افراد مشتاق به کار در عرصه این سه کارویژه است و متولیانش می‌دانند که برای جبران ایرادات وارده، می‌توان از نسخه فیزیکی و محدودیت‌های آن به نسخه الکترونیک گذر کرد و پژوهشگر و متخصص امروزی را با امکاناتی به‌مراتب بهتر از پیش روبه‌رو ساخت و همچنان نفس کشید. نفس کشیدنی که از جمله چالش‌های پیش روی آن می‌توان به گرایش همان پژوهشگران و متخصصان به جهان ترجمه بیش از جهان تألیف و مشکلات مالی اشاره کرد و در این میان مشکلات مالی چنان چالش‌برانگیزند که این روزها با نگاهی به نشریات تخصصی حوزه تئاتر، در غیاب بیش از پیش بخش خصوصی با نشریاتی وابسته به بودجه دولتی مواجه می‌شویم که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

■ نمایش شناخت



«نمایش شناخت» به سردبیری نظر احمدی‌تنگانی، مشاوره علمی فرهاد ناظرزاده‌کرمانی، حسین اسماعیلی و سعید فرهودی یکی از معدود نشریات غیردولتی تئاتر ایران محسوب می‌شود که فعالیت خود را از سال ۹۷ آغاز کرد و تا امروز ادامه داده است.

■ ماهنامه نمایش



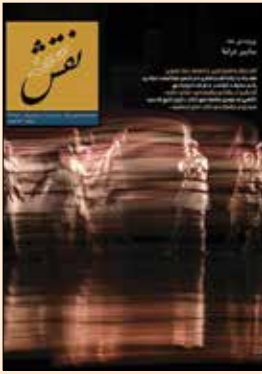
نخستین شماره «ماهنامه نمایش» در دوره جدید در بهمن ۱۳۷۶ منتشر شد. نشریه‌ای تخصصی در حوزه تئاتر که تازه‌ترین شماره آن، ۲۶۱، توسط دفتر انتشارات و پژوهش اداره‌کل هنرهای نمایشی به مدیریت کنونی سعید اسدی و سردبیری نصرالله قادری در معرض دید علاقه‌مندان قرار دارد. صاحب امتیاز این ماهنامه، انجمن هنرهای نمایشی ایران و مدیرمسئول آن، مدیرکل وقت هنرهای نمایشی، (در حال حاضر قادر آشنا) است.

■ فصلنامه علمی- پژوهشی تئاتر



«فصلنامه علمی- پژوهشی تئاتر» نشریه تخصصی دیگری در این حوزه است که باز هم به صاحب امتیازی انجمن هنرهای نمایشی ایران و مدیرمسئولی، مدیرکل وقت هنرهای نمایشی (در حال حاضر قادر آشنا)، سردبیری این نشریه را که نخستین شماره آن در سال ۱۳۵۶ منتشر شد و هم‌اکنون شماره ۸۳ آن در دسترس مخاطبانش است، سیدمصطفی مختاباد بر عهده دارد.

■ نقش صحنه



«نقش صحنه» نام ماهنامه‌ای است به صاحب امتیازی انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس با مدیر مسئولی حمید نیلی و سردبیری سیدجواد روشن. این ماهنامه پس از یک دهه وقفه، از تیرماه ۱۳۹۹ مجدداً منتشر و این بار به صورت مجازی روانه بازار شد.

«مجله نمایش»، «فصلنامه علمی- پژوهشی تئاتر»، «نشریه نمایش شناخت»، «ماهنامه نقش صحنه» و... نام بخشی از نشریات تخصصی تئاتر است. نشریاتی که شاید از نظر تعداد تیراژ و مخاطب با چالش‌هایی مواجه باشند اما لزوم تداوم انتشار آن برای خواننده‌ای که نگاهی تخصصی به حوزه تئاتر دارد غیرقابل انکار است. ضرورت تداوم انتشار نشریات تخصصی حوزه تئاتر، لزوم تغییر در شیوه ارائه‌از آنها از حالت فیزیکی به نسخه الکترونیک که کم‌وبیش نیز صورت پذیرفته است و چالش‌های پیش روی متولیان آنها از جمله داغ‌تر بودن بازار ترجمه به نسبت تألیف و مشکلات مالی محورهایی است که نظر سه نفر از چهره‌های شناخته‌شده حوزه تألیف و تحقیق و پژوهشگری در تئاتر (به ترتیب حروف الفبا) سعید اسدی، مهرداد رایانی مخصوص و مهدی نصیری را در خصوص آن جویا شده‌ایم و حاصلش گفت‌وگویی است که در ادامه می‌خوانید.

■ ضرورت تداوم انتشار نشریات تخصصی

سعید اسدی، مدرس، مؤلف، پژوهشگر و مدیر فرهنگی شناخته‌شده در خصوص ضرورت تداوم انتشار نشریات تخصصی حوزه تئاتر می‌گوید: «بدیهی است که برای پیوند عرصه هنر با جنبه‌های علمی و فراهم ساختن زمینه تأمل و اندیشه در خصوص آنچه انجام می‌دهیم، نیازمند فضایی هستیم که بخشی از آن در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد و بخش دیگری از طریق تولید مطالب در قالبی تخصصی، این مطلب تخصصی می‌بایست یا در قالب کتاب یا در قالب نشریات منتشر شود که از جمله ویژگی نشریات می‌توان به ارتباط مستقیم آن با رخداد کنونی اشاره کرد.»

او که از مهر سال گذشته تاکنون در یسّم مدیریت دفتر انتشارات و پژوهش اداره کل هنرهای نمایشی قرار گرفته است با اشاره به اینکه یکی از معضلات حال حاضر پژوهشگران، فقر حوزه مستندسازی، ثبت وقایع و رویدادها و تحلیل شرایط وقت، است می‌افزاید: «از قضا عمده منابعی که یاری‌مان می‌دهد تا به گذشته بنگریم، همین مطالب نشریات تخصصی است. پس نشریات تخصصی علاوه بر اینکه چشم‌انداز آینده ما را از طریق تحلیل وضعیت کنونی روشن می‌سازد، آیندگان را نیز از این مزیت برخوردار می‌کند که از دریچه آن به اکنون ما بنگرند.»

این مدرس شناخته شده حوزه تئاتر و سینما با بیان اینکه «نشریات تخصصی دروازه‌هایی به روی دانش‌های چندگانه‌ای‌اند که به کمک هنر تئاتر می‌آیند»، ادامه می‌دهد: «ما از یک سو نیازمند جایگاهی هستیم که بتوانیم آن با رخدادها، اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی‌های روز جهان روبه‌رو شویم و از سوی دیگر، حوزه‌های بینارشته‌ای که به یاری‌مان آمده‌اند تا از آنچه انجام می‌دهیم فهمی بیشتر بیاییم، در همین نشریات تخصصی رخ می‌نماید و این اتفاق نمی‌تواند در فضایی عام شکل بگیرد چرا که زبان، ساختار، اصطلاحات و ویژگی‌های آن به گونه‌ای است که نمی‌توان در روزنامه‌ای معمول یا نشریه‌ای عمومی نمایشش کرد.»

مهرداد رایانی مخصوص، مدرس، مؤلف و کارگردان شناخته‌شده حوزه تئاتر نیز با بیان اینکه تردیدی نیست که در تمامی امور و نه فقط در خصوص تئاتر، هر چه رویکرد تخصصی‌تر شود، نتیجه بهتر خواهد شد، می‌گوید: «در سال‌های دور، هنگامی که مجله «نمایش» در دهه ۶۰ راه‌اندازی شد هدف همین بود؛ پیش رفتن به سمت پاسخگویی به نیازهای نظری، خبری و گفتمانی تئاتر و شکل دادن محفلی برای پیوند گروهی از افراد مشتاق به کار در سه کارویژه فوق. در نتیجه رویکرد خبری و ثبت‌وضبط اتفاقات حوزه تئاتر یکی از دغدغه‌های متولیان این مجله بود و تبیین‌کننده فعالیت رسمی و حتی غیررسمی این حوزه بودند. باید اضافه کنم تعداد اهالی تئاتر در آن دهه بسیار کمتر از اکنون و بنابراین گستره مخاطبان این نشریه نیز بسیار کمتر از حالا بود و با وجود اینکه آمار دقیقی از شمار این مخاطبان در دست نیست اما می‌توان به‌عنوان مثال گفت که اگر در آن زمان ۱۰ هزار نفر نیروی تئاتری فعال و غیرفعال وجود داشت اکنون بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر وجود دارد، هرچند اینکه به این نشریه رجوع می‌کنند یا خیر، بحثی دیگر است اما اینکه یک نشریه بتواند به خانواده خود کمک و برای اعضای آن خوراکي درخور آماده کند، ضرورتی انکارناپذیر است.»

مهدی نصیری، مدرس، مؤلف، پژوهشگر و محقق شناخته‌شده حوزه تئاتر هم در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «نشریات تخصصی حوزه تئاتر شاید از نظر کمی با چالش‌های گوناگونی مواجه شده باشند اما از نظر کیفی نه، به این معنا که کیفیت آنها و تأثیرگذاری‌شان همچنان قابل تأمل است و خوانندگان مؤثری دارند که آنچه از این نشریات می‌آموزند به نحوی مؤثر در زمینه شغلی‌شان نمود پیدا می‌کند. به عقیده من، شاید تعداد خوانندگان عمومی این قبیل نشریات کاهش پیدا کرده باشد اما خوانندگان تخصصی آن همچنان پابرجا هستند که بازخورد آن خصوصاً در خارج از تهران و در میان اهالی تئاتر استان‌ها در قالب مطالبه ایشان برای دریافت این آثار قابل مشاهده است.»

نصیری که علاوه بر سایر فعالیت‌هایش در حوزه

تئاتر، حدود یک دهه است که در تولید سه نشریه تخصصی تئاتر؛ «مجله نمایش»، «فصلنامه علمی- پژوهشی تئاتر» و «ماهنامه نقش صحنه» به طرق گوناگون ایفای نقش می‌کند، می‌افزاید: «ما در مقالات دریافتی بارها و بارها با ارجاعاتی به مقالات سال‌های پیشین که در این مجلات چاپ شده‌اند مواجه می‌شویم که خود نشانگر تأثیرگذاری این نشریات تخصصی و استفاده مطلوب از مطالب شماره‌های گذشته آن است.»

■ لزوم تغییر در شیوه ارائه؛ از نسخه فیزیکی تا نسخه الکترونیکی

اسدی که مدیریت مجموعه تئاتر شهر را نیز در کارنامه دارد در پاسخ به این سؤال که اگر کسی با وجود پذیرش لزوم انتشار نشریات تخصصی حوزه تئاتر، تیراژ اندک نسخه‌های چاپی آن را نشانی از عدم اقبال مخاطب بداند، چه باید گفت، می‌گوید: «در خصوص این نکته نباید فراموش کنیم که رقابتی شدید میان نشریات مکتوب و چاپ‌شده روی کاغذ با حوزه فضای مجازی وجود دارد، رقابتی که آرام‌آرام در حال تبدیل شدن به تعامل است. تصور کنید نشریه‌ای در ۱۰۰ نسخه چاپ شده منتشر شود، نشریه‌ای که می‌توان علاوه بر این ۱۰۰ نسخه فیزیکی در قالب الکترونیک نیز منتشرش کرد و هم دسترسی به آن را آسان‌تر کرد،

سامانه متصل و با وجود اینکه دیگران می‌بایست هزینه مشاهده را می‌پرداختند، برخوردار از امکان بهره‌برداری رایگان باشند. «مجله نمایش» اولین محصول ما بود که پی‌دی‌اف آن پس از انتشار هر نسخه فیزیکی، روی وب‌سایت قرار می‌گرفت و حتی در خارج از ایران قابل استفاده بود.»

او که در سال‌های ۸۴ و ۸۵ در یک دوره دو ساله نیز مسئولیت دفتر انتشارات و پژوهش اداره‌کل هنرهای نمایشی را برعهده داشت، ادامه می‌دهد: «از دهه ۶۰ تاکنون که وارد ۱۴۰۰ شده‌ایم، مهم‌ترین نکته در خصوص نشریات تخصصی حوزه تئاتر این است که محصولی را که آماده کرده‌اید، متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی به مخاطبان عرضه کنید. به شخصه از اوایل دهه ۶۰ وارد کار در دنیای مطبوعات شدم و در کنارش همواره «روزنامه‌خَر» بودم و حتماً باید نسخه‌هایی از روزنامه‌های هر دو تیف سیاسی را تهیه می‌کردم اما در چند سال اخیر، همه نیازم را از طریق فضای مجازی و رویت و مطالعه با دانلود نسخه پی‌دی‌اف تأمین می‌کنم و سال‌هاست به صرافت خرید نسخه فیزیکی نیفتاده‌ام. بنابراین معتقدم یک نشریه موفق، نشریه‌ای است که بتواند متناسب با زمانه خود به گونه‌ای ارائه شود که مخاطب مطالعه‌اش کند و یکی از شیوه‌های آن، حرکت متناسب با تکنولوژی است.

“		“
مهدی نصیری:		مهرداد رایانی مخصوص:
ترجمه الزام‌برآمده از نیازهای ما نیست و اساساً ممکن است در جامعه‌مان کارکردی نداشته باشد. آنچه ما نیازمند آنیم تألیف و تولید محتوای تئوری است که در چند سال اخیر کم‌رنگ‌تر از پیش شده است		آنچه من در این مدت زمان مُصر به انجامش بودم ایجاد وب‌سایت بود که به گونه‌ای طراحی شود که تمامی محصولات دفتر انتشارات و پژوهش را در قالب نسخه پی‌دی‌اف، نه به شکل دانلود بلکه به شکل رویت، در دسترس، قابل بهره‌برداری و مشاهده قرار دهد

■ چالش پیش روی انتشار نشریات تخصصی؛ ترجیح ترجمه به تألیف

اسدی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان تمایل بیشتر اندیشمندان، محققان و پژوهشگران را با وجود برخورداری از توانایی تألیف، به ترجمه یکی از چالش‌های پیش روی نشریات تخصصی حوزه تئاتر و عامل آن را قدر ندیدن و برصِدر ننشستن مؤلف دانست، می‌گوید: «این حرفی درست است و من می‌توانم به‌صورت ریز دسته‌بندی‌اش کنم. ما، هم در حوزه تولید محتوا و هم در حوزه مصرف محتوا با چالش‌هایی مواجهیم. متأسفم که می‌بایست بگویم در زمینه تولید محتوا، در حوزه کاری ما، میزان زحمت و حتی میزان تخصص موردنیاز برای تولید مقاله‌ای پژوهشی یا تحلیلی با میزان آورده مالی حاصل از حق‌التحریرش، متناسب نیست و به همین دلیل رغبتی ایجاد نمی‌شود تا کسی مرارت بکشد و مقاله تولید کند. می‌دانیم که این مقاله حتی اگر در قالب کتاب هم منتشر شود درصدی که نویسنده می‌تواند به دست آورد به‌علت فقر مصرف و تیراژ پایین، آن‌قدر جدید این دفتر در دسترس عموم قرار گیرد و از سوی دیگر ۳۱ شعبه استانی انجمن هنرهای نمایشی به این نیست که برای او به‌عنوان متخصص محقق با شغلی



از لزوم تداوم انتشار تا چالش‌های پیش‌رو

داستان این روزهای نشریات تخصصی حوزه تئاتر

خاص قابل اعتنا باشد.»

او که دبیری دوره‌های سی‌وچهارم و سی‌وپنجم جشنواره تئاتر فجر را برعهده داشت با بیان اینکه در این صورت، تنها ضرورت‌ها و امتیازات دیگر است که محقق را به سوی پژوهش و تألیف سوق می‌دهد، می‌افزاید: «به‌عنوان مثال آکادمیسین‌ها مقطع کارشناسی‌ارشد یا دکتری برای به‌دست آوردن امتیازات علمی به‌سمت تولید علم و انتشار آن در قالب مقاله می‌روند اما برای اینکه محقق و کار کند نیازمند اشتیاق، علاقه و انگیزه درونی بسیار قدرتمندی است. در کنار اینها، ترجمه علاوه بر سهل‌الوصول‌تر بودن، وابسته به عادت فرهنگی و تاریخی دیرینه ما نیز هست. اگر دقت کنید درمی‌یابید که دست‌کم در طول ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال گذشته، عمده دانش مصرفی ما از طریق ترجمه تغذیه و فرهنگ ترجمه‌پذیری به قدری در میان‌مان نهاده شده است که ترجیح می‌دهیم پژوهش آماده را ترجمه و به مُد یا جریانِ فکری- فرهنگی نیز مبدلش کنیم. به گونه‌ای که در مورد خود بسیار کم‌تر از دیگرایمی‌دانیم که بواسطه همین ترجمه‌ها با آنها آشنا شده‌ایم و در برخوردی مطالبه‌آمیز به‌عنوان مثال کسانی هستند که آن‌قدر در مورد تئاتر آلمان خوانده‌اند که بی‌دیدن حتی یک نمونه از آن، خود را متخصصش می‌دانند و این در حالی است که از تاریخ ۶۰، ۷۰ سال قبل خود بی‌اطلاعند. بازار ترجمه و تقاضای بیشتر ناشرین، به‌علت بیشتر بودن خواستاران ترجمه در قیاس با تألیف و کم‌تر بودن حق‌التُرجمه به‌نسبت حق‌التألیف نیز عامل دیگری است که موجب رونق بیشتر ترجمه در مقایسه با تألیف شده است.»

نصیری با بیان اینکه متأسفانه تولید محتوا کم‌رنگ‌تر از قبل شده و جای خود را به ترجمه داده است، توضیح می‌دهد: «ترجمه الزاماً برآمده از نیازهای ما نیست و اساساً ممکن است در جامعه‌مان کارکردی نداشته باشد. آنچه ما نیازمند آنیم تألیف و تولید محتوای تئوری است که در چند سال اخیر کم‌رنگ‌تر از پیش شده است. اتفاقی که نمی‌توان به کمبود دانش ربطش داد و بیش از آن، حاصل بی‌رقمی و تنگ‌حوصلگی است. ظاهراً رغبت یا انگیزه‌ای که پیش از این وجود داشت اکنون دیگر وجود ندارد و بخشی از آن به‌دلیل قُدرِ ندیدن و بر صدر ننشستن به میزان لازم و کافی است که در حمایت‌های مادی و آورده مالی اندک نمود پیدا می‌کند.»

■ چالشی به نام مشکلات مالی

اسدی از مشکلات مالی به‌عنوان دیگر چالش پیش روی انتشار نشریات تخصصی حوزه تئاتر نام می‌برد و می‌گوید: «با نگاهی گذرا متوجه می‌شوید که اکنون تعداد نشریات تخصصی حوزه تئاتر در کمترین میزان خود است. به این معنا که زمانی بیش از این بوده و بخشی از آن به‌صورت خصوصی منتشر می‌شده است. می‌دانیم نشریه‌ای که به‌صورت خصوصی منتشر می‌شود به عایدی حاصل از انتشار وابسته است و مطالعه‌یم که این قبیل نشریات به علت محدود بودن تعداد مخاطبان‌شان نه با درخواست چاپ آگهی چندان‌نی مواجه‌اند و نه با تیراژ و فروشی آن چنانی و به نتیجه بسیاری ترجیح دادند کار را تعطیل و عرصه را به نشریات تخصصی با پشتوانه دولتی واگذار کنند. در این میان دو یا سه نشریه بیشتر باقی‌نمانده است که به شکل مشخص در حوزه تئاتر فعالیت می‌کنند و اگر از بودجه دولتی برخوردار نبودند قطعاً به بلای نشریات خصوصی گرفتار می‌شدند. کم‌این که هزینه‌های فراهم‌سازی یک نشریه تخصصی حتی برای دولت نیز که می‌بایست با بودجه اندک حوزه تئاتر در زیرمجموعه‌های گوناگون خود اقدام به پرداخت‌های پژوهشی یا تحلیلی با میزان آورده مالی حاصل از حق‌التحریرش، متناسب نیست و به همین دلیل رغبتی ایجاد نمی‌شود تا کسی مرارت بکشد و مقاله تولید کند. می‌دانیم که این مقاله حتی اگر در قالب کتاب هم منتشر شود درصدی که نویسنده می‌تواند به دست آورد به‌علت فقر مصرف و تیراژ پایین، آن‌قدر جدید این دفتر در دسترس عموم قرار گیرد و از سوی دیگر ۳۱ شعبه استانی انجمن هنرهای نمایشی در حوزه

ایران و ایرانیان است.»